

### متن پرسش

بسمه تعالی با سلام خدمت شما استاد گرامی و بزرگوار در جواب سوال ۱۱۴۰۵ فرمودید: (باسمه تعالی: سلام علیکم: امور بدیهی آنچنان نیست که فکرکردن در موردشان معنا داشته باشد، آنچه در مورد تطابق امور ذهنی با امور خارجی بحث می‌شود در رابطه با جایگاه و نسبت امور ذهنی با نفس ناطقه است که چگونه نفس از طریق صورت علمی محسوسات که در ذهن است به وجودات خارجی پی می‌برد که ملاصدرا روشن می‌کند صورت علمی محسوسات، نفس ناطقه را آماده می‌کند تا خود نفس با وسعتی که دارد صورت مناسب محسوس را در خود ابداع کند. موفق باشید) سوال جدید: در اسفار جلد یک صفحه ۳۵۳ آمده: " قیل: إذا كان المسألة بدیهية، كانت الاستدلال عليها في الحقيقة تنبيهاً على تلك المسألة البدیهية. و لكن الحق: أن الاستدلال على مر بدیهی علی قسمین: الأول: ما يكون تنبيهاً. الثاني: لما كان البدیهی علی قسمین: ۱ بدیهی مطلق لا يتوقف فيه من له شعور. (مثل این همانی و امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین، اصل وجود) ۲ بدیهی نسبی فریما تكون مسألة بدیهية لعالم متضلع و نفس المسألة تحتاج إلى النظر و الفكر لغير مثل ذلك العالم. فتكون الادلة عند ذلك استدلالاً و فکراً و نظراً و لیست من باب مجرد التنبيه. (دو تقسیم است: تقسیم بدیهی به مطلق و نسبی و تقسیم بدیهی به قابل استدلال و غیر قابل استدلال. بنابر این ممکن است چیزی هم بدیهی مطلق باشد و هم قابل استدلال باشد. ملاک در اینکه قابل استدلال است یا نیست این است که اموری که هر استدلالی بر آن متوقف است مثل این همانی و استحالة اجتماع و امتناع نقیضین، بر آنها نمی‌شود استدلال کرد. اما اگر چیزی این چنین نباشد می‌توان بر آن استدلال کرد.)" اولاً: با توجه به توضیح بالا آیا عالم خارج از من (نفس) در زمره ی امور بدیهی که می‌توان بر آن استدلال آورد قرار نمی‌گیرد؟ ثانیاً: در مورد این قسمت جواب که فرمودید: (ملاصدرا روشن می‌کند صورت علمی محسوسات، نفس ناطقه را آماده می‌کند تا خود نفس با وسعتی که دارد صورت مناسب محسوس را در خود ابداع کند) را به صورت ساده و روان توضیح دهید، منظور از صورت مناسب محسوس را در خود ابداع کند چیست؟ لطفاً برای بنده در دعاهایتان و نمازتان دعا کنید که مشکلم برطرف شود و قضیه برایم حل شود

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- همین‌که شما بدون هرگونه تأملی با بنده گفتگو می‌کنید در جان خود به صورتی بدیهی پذیرفته‌اید که بنده در بیرون هستم و شما هم به راحتی و به صورتی بدیهی با بنده گفتگو می‌کنید، مشکل از آنجا پیش می‌آید که از این ساحت خارج می‌شوید و

می‌پرسید: «آیا خارج از نفس در زمره‌ی امور بدیهی است؟» یعنی شما از ساحت ادراک بدیهی خود خارج می‌شوید و آن را به یک موضوع ذهنی تبدیل می‌نمایید. مثل آن کسی که مدت‌ها با ریش بلند خود به راحتی می‌خوابید و نمی‌پرسید ریش خودم را زیر لحاف بگذارم یا روی لحاف، تا این‌که شخصی از او این سؤال را کرد، از این به بعد بود که هروقت می‌خوابید با این سؤال روبه‌رو می‌شد و مدت‌ها با خود درگیر بود که بالاخره ریش خود را روی لحاف بگذارد یا زیر لحاف. ۲- بحثی در فلسفه در رابطه با امور ذهنی مطرح است که اگر صورت‌های ذهنی عارض بر نفس می‌شوند چگونه می‌پذیرد، این عَرَض حکایت آن جوهر خارجی است که عرض کردم ملاصدرا چگونه مشکل را حل می‌کند، در عین بحث از حمل اولی ذاتی در کنار حمل شایع صنایع. موفق باشید